

به حزب ملحق شوید!

فاتح بهرامی

شنبه ۹ آذر یازدهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران است، اولین سالگرد حزب که رهبر و بنیانگذارش، منصور حکمت، در میانمان نیست. یاد عزیزش گرامی باد.

یازده سال پیش، در آستانه فروپاشی سرمایه داری دولتی در بلوک شرق، هنگامیکه سخنگویان بورژوازی و رسانه های نوکر با هجوم به آزادیخواهی و مساوات طلبی کمونیسم تلاش بشریت برای رهائی از استثمار و تبعیض و نابرابری را آماج حمله خود گرفته بودند، منصور حکمت سنگر بست. سنگری برای دفاع از مارکسیسم و کمونیسم و تلاش بشر در جهت تغییر جهان موجود به جهانی شایسته انسان. در ادامه دوازده سال فعالیت کمونیستی بی وقفه قبلی حزب دیگری ساخت، حزب کمونیست کارگری ایران. و در ده سال آخر حیاتش، منصور حکمت در پیشاپیش طیف وسیعی از کادرهای کمونیست حزب را به جایی رساند که امید پیروزی کمونیسم در ایران است. بقول خودش، در آخرین نوشته ناتمام بمناسبت دهمین سالگرد حزب، "ما به پرچمدار کمونیسم و آترناتیو کمونیستی در ایران امروز تبدیل شده ایم. مردم ایران کمونیسم را با حزب کمونیست کارگری تداومی میکنند".

حزب کمونیست کارگری با اتکا به گنجینه عظیمی که منصور حکمت بجا گذاشت، یک سازمان حاضر و آماده و توانا برای رهبری مبارزه طبقه کارگر و آزادیخواهان ایران است، مبارزه ای که هدفش کسب آزادی و برابری است، و خواهان برگرداندن حرمت به انسان است. اما یک اصل اساسی که میتواند ضامن پیروزی در این مبارزه باشد، نقش پراتیک انسان برای ایجاد تغییر است. بدون پراتیک انسانها و بدون تشکل و ظرفی برای حرکت سازمانیافته و هدفمند انسانها هیچ حکومت جنایتکار و منفوری از سر راه مردم کنار نمیرود.

فلسفه وجودی حزب کمونیست کارگری به سرانجام رساندن مبارزه ایست که نتیجه آن به برپائی جامعه ای منجر شود که در آن کارگر به نان شب محتاج نباشد، زن بیحقوق و تحت ستم و انسان درجه دوم نباشد، جوانان بیکار و بی آینده و اسیر اعتیاد و بدبختی نباشند، کودک از شادی و تحصیل و رفاه محروم نباشد، و در یک کلام انسان از انسانیت تهی نشود و اختیارش بدست دیگری نباشد. شما مردم شریف و آزادیخواهی که در دست جمهوری اسلامی اسیر این مصائب هستید، برای رهائی و تحقق یک زندگی انسانی به حزب کمونیست کارگری احتیاج دارید. و حزب کمونیست کارگری برای پیروزی در این مبارزه انسانی به شما نیاز دارد. جمهوری اسلامی در بحرانی مرگبار گرفتار است و پراتیک مشترک همه ما برای انداختن رژیم آدمکشان ضروری است. حزب کمونیست کارگری حزب شمامست، به حزب ملحق شوید. گرامی باد یازدهمین سالگرد تشکیل حزبمان.



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۳۴

۸ آذر ۱۳۸۱

۲۹ نوامبر ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود
www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

گرامی باد یازدهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری ایران

مراسم مرکزی حزب کمونیست کارگری

لندن ۳۰ نوامبر، ساعت ۳ بعدازظهر

آدرس: O'Niell's
291-293 Muswell Hill Broadway
London N10



یک گام به چپ در جنبش سرنگونی نگاهی به مبارزات اخیر دانشجویان

حمید تقوائی



صفحه ۲

خیزش اخیر دانشجویان، تا همینجا، یک گام بجلو برای جنبش چپ در کل جامعه بوده است. این جنبش هم از نظر خواستها و شعارها، هم از نظر اشکال اعتراضی، و هم از لحاظ وسعت دامنه و تداوم آن، کاملاً با حرکتهای دانشجویی در گذشته متفاوت است. گسترده تر، سازمانیافته تر، مستقل تر و رادیکال تر از گذشته است و در مضمون و محتوای خود و خواستهائی که مطرح میکند بروشنی مهر چپ را بر خود دارد. این خود از یکسو نتیجه و منعکس کننده توازن قوای جدیدی است که به نفع چپ در کل جامعه ایجاد شده است، و از سوی دیگر گامی بجلو در جهت تقویت قطب چپ در جنبش سرنگونی است. این مبارزات هنوز پایان نیافته است، خواست اولیه و حداقل این جنبش، لغو حکم اعدام آغازی، هنوز متحقق نشده، اعتراضات به شکل

یک گام بزرگ بسوی آزادی زن

مصاحبه با آذر ماجدی درباره سازمان آزادی زن



اسلامی و روشن نبودن اهداف و برنامه خود این سازمانها بود. علاوه بر شکل گیری سازمانهای زنان، یک جنبش اعتراضی و مقاومت درمقابل هجوم جمهوری اسلامی به حقوق

صفحه ۳

زنان و برای آزادی زن در ایران وجود دارد. سابقه این دور از جنبش به دوران انقلاب ۵۷ بازمیگردد. طی انقلاب سازمانهای مختلفی حول مساله زن شکل گرفت که سریعاً از هم پاشیده شدند. این مساله به دو علت سرکوب جمهوری

هفتگی: در انترناسیونال هفتگی شماره گذشته بیانیه اعلام موجودیت سازمان آزادی زن منتشر شد. هدف از تشکیل سازمان آزادی زن چیست و چه خلایق را پر میکند؟
آذر ماجدی: فی الحال یک جنبش گسترده علیه بیحقوقی

کنگره دوم حزب کمونیست کارگری عراق علنی است

مصاحبه با ریپوار احمد صفحه ۴



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

یک گام به چپ ...

پراکنده هنوز وجود دارد، و رژیم شروع بدستگیری فعالین اعتراضات اخیر کرده است که خود میتواند به او جگرگیری مجدد اعتراضات منجر شود. اما با اینهمه میتوان گفت دور اول این مبارزات پایان یافته و لازمست با بررسی تحلیلی خیزش اخیر دانشجویان و مکان آن در کل جنبش سرنگونی طلبی، چهارچوب حرکت آتی و راههای پیشروی آنرا مشخص کنیم.

از اعتراض به حکم اعدام آغاجری تا رهبر بروگمشو

خیزش دانشجویان با اعتراض به حکم اعدام آغاجری آغاز شد. جمهور اسلامی در ادامه سیاست "ارباب از طریق اعدام" و در دل موج جدیدی از اعدامها که برای مرعوب کردن مردم براه انداخته بود، هاشم آغاجری، استاد دانشگاه و یکی از شخصیتهای دوزخدادی را نیز که به جرم "توهین به روحانیت" و گفتن اینکه "مردم میموند نیستند که تقلید کنند" در زندان بود به اعدام محکوم کرد. جناح راست به این ترتیب میخواست هم به جناح مقابل در حکومت گوشمالی بدهد و هم از مردم زهر چشم بگیرد که "ما که با خودی‌ها چنین میکنیم وای بحال دیگران". اما این تعرض جناح راست به سرعت به عکس خود تبدیل شد. باز مانند گذشته مردم، و این بار مشخصا دانشجویان، در شکاف میان بالائی‌ها فرصت مساعدی برای دخالتگری پیدا کردند، بمیدان آمدند و کل رژیم را به مصاف طلبیدند. جنبش به سرعت از اعتراض به اعدام آغاجری فراتر رفت، آزادی بیقید و شرط زندانیان سیاسی، آزادی عقیده و بیان، و شعارهای صریح و رادیکال، نظیر "رهبر بروگمشو"، علیه خامنه‌ای و شخصیتهای جناح راست، بجلو رانده شد؛ در مواردی شعار سرنگونی جمهوری اسلامی و محاکمه خامنه‌ای داده شد؛ در مواردی دانشجویان علیرغم توصیه‌های دفتر تحکیم وحدت حرکت مستقل خود را سازمان دادند؛ و در یک مورد دانشجویان دختر و پسر دست در دست هم و با شعار "آزادی برابری" بر سریندهایشان در صف اعتراض ظاهر شدند. البته این چند مورد اخیر شیوه و مضمون مسلط بر جنبش حاضر نیست اما خلاف جریان و خارج از متن اصلی مبارزه نیز نیست. جرقه‌ها و پیشتازیهایی است که آیند را نشان میدهد. استثنا امروز و قاعده فرداست. نه تنها این استثناات بلکه مضمون و شعارهای اصلی جنبش

نیز نشان داد که دوزخداد، حتی گرایش چپ آن، بیربط است و تأثیری بر اعتراضات ندارد. بزودی معلوم شد که تشکلهای قانونی دانشجویی، نهادهای دوزخدادی که نقششان همیشه کنترل مبارزات دانشجویی در چارچوب اصلاحات و حفظ نظام بوده است، دیگر قادر به ایفای این نقش سنتی خود نیستند. این نهادها تنها با فاصله گرفتن از خط رسمی و حتی "چپ" دوزخداد و چرخش ناگزیر به چپ توانستند حضور خودشان را در جنبش اخیر حفظ کنند. در مبارزات اخیر دانشجویی بر خلاف حرکات قبلی، هیچ نشانه‌ای از شعارهای حمایت آمیز از خاتمی و طرفداری از "اصلاحات" حتی بشکل حاشیه‌ای و جانبی بچشم نمیخورد. جنبش دانشجویی دیگر احتیاجی به این نوع مصلحت گرانی‌ها نداشت. این بار این گرایش چپ در جنبش دانشجویان بود که تشکلات دوزخدادی را بدنبال خود میکشید و نه برعکس. دفتر تحکیم وحدت با لغو حکم اعدام آغاجری شروع کرد و با آزادی بیقید و شرط زندانیان سیاسی ختم نمود. اینکه این تحول تا چه حد از سر مصلحت و فرصت طلبانه هست و یا نیست و یا منظور تحکیم وحدت از "آزادی زندانی سیاسی دقیقاً چیست و تا چه حد با مضمون واقعی این شعار همیشگی چپ منطبق است، فعلاً مورد بحث نیست. پائین تر به این مساله میپردازیم. نکته مهم اینجا اینست که شعارهای چپ خصلت نمای اعتراضات اخیر دانشجویان بود و نهادهای دوزخدادی دانشجویی ناگزیر شدند از سر مصلحت گرانی هم که شده، از چپ پیروی کنند. این بار دوزخدادی‌ها ناگزیر به "چپ نمائی" شدند. چپی که سر جای خود ایستاده بود، و گرچه هنوز ناگزیر بود مخفی بماند، دیگر نیازی به "اصلاح طلب نمائی" نداشت.

زمینه های عمومی عروج چپ
گردش مبارزات دانشجویی به چپ البته خود ناشی از تناسب قوای عمومی تری است که در کل جامعه بوجود آمده است. بن بست و ورشکستگی کامل خط "اصلاحات" و شدت یابی بحران سیاسی رژیم، که مانیفست گنجی و تهئید ملاموم به "خروج از حاکمیت" از جانب بخشی از دوزخدادهای کشیده شدن بحث سقوط رژیم به نماز جمعه‌ها و به مطبوعات حتی جناح راست و غیره از بروزات مشخص آن در ماههای اخیر است، در مجموع موقعیت کل رژیم را در برابر مردم و جنبش سرنگونی طلبی تضعیف کرده است. نه "صبر کنید درست میشود"

دوزخداد خریداری دارد و نه دست جناح راست برای زدن و بستن باز است. در مقابل اما بر نفرت مردم از جمهوری اسلامی هر دم افزوده میشود و جنبش سرنگونی حتی وقتی آشکارا عرض اندام نمیکند، قوایش را جمع میکنند، ابهاماتش را کنار میگذارند، پالایش پیدا میکنند و مدام رادیکالتر و چپ تر میشوند. طبیعی است که در این شرایط با اولین فرصتی که بدست میاید چپ از دانشگاهها سربلند کند. دانشگاه سنتا و از زمان حکومت شاه مکان رشد چپ بوده است. در انقلاب ۵۷ نیز تا قبل از یورش بنی صدر-سروش به دانشگاهها در سال ۵۹ چنین بود. جمهوری اسلامی یورش نهائی خود به انقلاب را با حمله بدانشگاهها شروع کرد و از آن زمان تلاش کرده است دانشگاهها را از نفوذ چپ دور نگاهدارد. نسل امروز دانشجویان تجربه‌ای از این گذشته ندارد اما آنرا میشناسد و مانند گذشته همچنان بخش جوان و فکور و آرمانگرا و از لحاظ سیاسی حساس جامعه را تشکیل میدهد. اگر آرمانگرایی و حقیقت جوئی و مدرنیسم و نیاز به تغییر و ارتقای زندگی مردم را در عصر ما چپ نمایندگی میکند آنوقت طبیعی است که دانشجویان و مبارزات دانشجویی "خودبخود" به چپ گرایش داشته باشند. میشود در دانشگاهها، و عموماً در جامعه، با سرکوب چپ را به عقب راند و ساکت کرد اما نمیشود آنرا حذف نمود. "انقلاب فرهنگی" آقای سروش نیز در دوره بنی صدر چپ را در دانشگاهها و بدنبال آن در کل جامعه به عقب راند اما امروز ما شاهد آنیم که دوباره چپ قد راست میکند و درست در اولین سنگری که از دست داده دوباره پا به میدان میگردد. در این میان، از فاصله سرکوب دانشگاهها در سال ۵۹ تا امروز، دوزخداد مستمرا تلاش نموده است تا به ظرف اعتراض، یا به بیان درست تر ظرف کنترل اعتراضات دانشجویان تبدیل شود اما هیچگاه، حتی در اعتراضات دانشجویی تیرماه ۷۸ که به شورش ۱۸ تیر منجر شد و دوزخداد در دوره شکوفائی و رونق خود بسر میبرد، نتوانست به این هدف خود برسد. دوزخداد و نهادهای قانونی آن هیچگاه از حد بهانه و محملی که دانشجویان، و علی العموم مردم، برای بیان اعتراضات مستقل خود از آن سود جسته اند، فراتر نرفته اند. دوزخداد بخصوص برای اعتراضات و خواستهای نسل جوان جامعه، نسلی که هیچ تجربه‌ای از شکست و سرکوب انقلاب ۵۷ بوسیله جمهوری اسلامی ندارد، و خواهان یک زندگی شاد و باز و مدرن بدون هیچ تحقیف و سازشی است، قالب تنگ و بیقواره است. و امروز جنبش دانشجویان حتی

این شکل و فرم بیقواره را بدور میانندازد. **چه کسی مخالف اعدام است؟**
اما گذشته از این زمینه عمومی سیاسی-اجتماعی، بهانه مشخصی که این بار دعوای جناحها بدست داد نیز زمینه ابراز وجود چپ را در خود داشت. اعدام بخاطر عقیده. این در همه جوامع و مشخصاً در ایران جمهوری اسلامی پیش و بیش از هر بخش دیگر از مخالفین رژیم و مشخصاً از چپ جامعه و کمونیستها قربانی گرفته است. در جمهوری اسلامی مشخصاً بدنبال سرکوبیهای ۳۰ خرداد ۶۰ و در تابستان ۶۷ ده‌ها هزار نفر از کمونیستها بجرم نماز خواندن و انکار وجود خدا اعدام شدند و در گورهای جمعی دفن شدند. یک پاسخ منفی به خدا و نماز و جمهوری اسلامی کافی بود تا زندانی را به جوخه آتش بسپارند. جمهوری اسلامی با ترور "اعدام بخاطر عقیده" اساساً در مقابله با خطر چپ حکومت خود را مستقر کرده است. و امروز هم دارد با براه انداختن موج جدیدی از اعدامها همین اسلحه قدیمی را بکار میبرد. البته یک چیز در این میان فرق کرده است. دوزخدادی هائی که امروز خود را در صف قربانیان این سیاست میبایند، در آزمان خود جزئی از ماشین سرکوب و کشتار جمهوری اسلامی بودند. سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات و ستاد انقلاب فرهنگی در دانشگاههایش را میساختند و مستقیم و غیر مستقیم در نسل کشی سالهای ۶۰ و ۶۷ نقش داشتند. و حتی امروز هم با همه ولترنمائی هایشان نه تنها از گذشته خود انتقادی ندارند، به آن مباحثات هم میکنند. مبارزه علیه اعدام عرصه مبارزه چپ است، جلاخان دیروز هر قدر هم که از بد حادثه به زیر تیغ افتاده باشند، نه میتوانند و نه میخواهند که قدم به این میدان بگذارند. این عرصه مبارزه کسانیت که مخالف مجازات اعدام هستند، اعدام هر کس و با هر عقیده‌ای، اعدام به جرم عقیده و یا هر اتهام دیگری. کسی که خود تا دیروز شریک جرم اعدامهای رژیم بوده و هنوز از جنایات دیروزش دفاع میکند، و امروز تنها به حکم اعدام رفیق خودش و آنهم بخاطر آنکه "مرتد نیست" و "مخالف نظام نیست" و "کفر نگفته" معترض است، در واقع با اعدام مخالفتی ندارد، بلکه دارد حکم اعدام مرتدین و کافران و مخالفین نظام را صادر میکند. دارد حکم قتل کمونیستها و آزادیخواهان را میدهد. دارد از گذشته خودش و نسل کشی سالهای ۶۰ و ۶۷ دفاع میکند. خیزش اخیر دانشجویی نشان داد که این خرعبلات، این نوع اعتراض دوزخدادی، در میان دانشجویان جانی ندارد. جنبش

دانشجویان پیشاپیش جنبش سرنگونی با استقبال شعارهای رادیکال و همیشگی چپا علیه اعدام و اختناق رفت: لغو مجازات اعدام، آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان، و آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی در جنبش دانشجویی جا باز کرد و همه گیر شد. آغاجری در تسویه حسابهای درون جناحی حکم اعدام گرفت و دوزخداد و شاخه‌های دانشجویی آن نیز در آغاز به همین خاطر و در مقابله با جناح راست به اعتراض برخاستند اما نقطه عزیمت توده دانشجویان این نبود. آنها در حکم اعدام آغاجری دریچه و امکاتی برای مقابله با سیاست ارباب رژیم و کلا اعتراض به اختناق و سرکوب و کلیت رژیم جمهوری اسلامی میدیدند و پرچم و شعارهای اعتراضیشان نیز بروشنی همین را نشان میداد. در سیر این حرکت شاخه دانشجویی دوزخداد، دفتر تحکیم وحدت، ناگزیر شد از بدنه خود فاصله بگیرد و خود را با شعارهای چپ وفق بدهد. امروز دفتر تحکیم وحدت شعار آزادی بیقید و شرط زندانیان سیاسی را بعنوان شعار محوری دانشجویان اعلام کرده است. این قبل از هر چیز نشاندهنده نفوذ و قدرت چپ در مبارزات اخیر است و باید آنرا گامی به پیش دانست، اما در عین حال باید هشیار بود که این شعار را از مضمون و محتوا خالی نکنند و مثل بسیاری از خواستهای دیگر به آن یک معنای محدود بین جناحی و "خودی" ندهند. کاری که مثلاً دوزخدادی‌های چپ با سکولاریسم و جدایی دین از دولت کرده اند (مانیفست گنجی) و یا بلایی که بر سر آزادی عقیده و بیان (به شرط عدم اهانت به مقسمات) و یا آزادیهای سیاسی (در چارچوب حفظ نظام) آورده اند. دوزخداد متخصص این "خودی کردن" و بیبیمه کردن شعارهای رادیکال است. دانشجویان چپ نباید اجازه بدهند که شاخه دانشجویی دوزخداد باز به این ترفند متوسل شود. آزادی برای خودی‌ها و در چارچوب نظام آزادی نیست اسارت است. آزادی مطبوعات یعنی آزادی همه نشریات از جمله نشریات چپ و کمونیستی، آزادی بیان و عقیده یعنی آزادی معتقد بودن به هر پآوری از جمله بیخدایی و حق ابراز آن، و مخالفت با اعدام یعنی لغو مجازات اعدام به هر اتهامی حتی کفر گویی و "اهانت به مقدسین و آیت الله‌ها"، کاری که هرروز مردم ایران به آن مشغولند. آزادی از نظر چپ و مردم اینست، جنبش سرنگونی این آزادیها را میخواهد و هر نیرو مردم قرار بگیرد باید خواستار این آزادیها باشد.



موقعیت معلق دفتر تحکیم وحدت

و انجمنهای اسلامی در دانشگاهها

حاصل این سرکوب چپ در دانشگاهها هستند.

این وضعیت باید تغییر کند. از لحاظ سیاسی شرایط برای گسترش افق و اهداف و شعارهای چپ در سطح جامعه و بخصوص دانشگاهها کاملا آماده و مساعد است. باید با حرکت از این نقطه قوت، نقطه ضعف و تشکل و رهبری علنی را برطرف کرد. اولین وظیفه فعالین چپ همه گیر کردن و تثبیت شعارهای مشخص نظیر لغو مجازات اعدام، آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی، آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان، جدایی مذهب از دولت و از آموزش و پرورش، و لغو آپارتاید جنسی در قدم اول در دانشگاههاست. این خواستها و حقانیت و مطلوبیت آنها باید به یک درک عمومی در میان دانشجویان تبدیل شود. بدین منظور فعالین چپ در جنبش دانشجویی باید خود در محافل مخفی کمونیستی متشکل شوند و روابط خود را گسترش بدهند. یک وظیفه پایه ای تر این محافل ترویج و گسترش آرمان کمونیسم کارگری و مضمون انسانی و رهاییبخش آن در دانشگاههاست. در مقابل نظرات راست و ارتجاعی اسلامی و نیمه اسلامی دو خردادی و یا ارتجاع امروزی ناسیونالیسم پرو غربی باید افق سوسیالیسم، و آزادی و برابری و رهایی انسانها از دیدگاه سوسیالیستی را بیان توده دانشجویان برد. جنبش دانشجویی باید از لحاظ افق و درک و شناخت سیاسی اش رادیکالیزه شود و تعمیق پیدا کند. اینکه تعرض و آکسیون بعدی جنبش دانشجویی کی صورت میگیرد، مبارزات جاری ادامه و گسترش مییابد و یا باید منتظر شرایط دیگری برای برآمد مجدد جنبش دانشجویی بود، از حالا قابل پیشبینی نیست. آینده هر چه باشد چپ باید از هم امروز تمام قوای خود را بر تعمیق جنبش، و رادیکالیزه کردن و متشکل ساختن آن متمرکز کند تا قادر باشد در برآمد بعدی، تحت هر شرایطی صورت بگیرد از موضعی قویتر و با ثقل تعیین کننده تری در صحنه ظاهر شود.

جنبش دانشجویی باید از لحاظ افق و درک و شناخت سیاسی اش رادیکالیزه شود و تعمیق پیدا کند.

حزب کمونیست کارگری و مشخصا سازمان جوانان کمونیست این حزب، مبدا و پشتوانه تحقق این امر است. دانشجویان چپ از تشکلهای علنی و مستقل خود محروم اند، اما چپ در یک مقیاس اجتماعی به یک جنبش و تشکیلات قوی حزبی متکی است. فعالین و رهبران عملی چپ در دانشگاهها باید به حزب کمونیست کارگری متکی شوند و به صفوف آن پیوندند و پرچم آرمان و اهداف و برنامه و سیاستهای حزب را در دانشگاهها برافرازند. آینده از آن ماست.

از صفحه ۱

یک گام بزرگ ...

زنان نیز پا به میدان گذاشت. با هجوم خونین جمهوری اسلامی، جنبش اعتراضی زنان برای مدتی خاموش شد ولی سریعا سر بلند کرد و روز بروز قدرتمندتر شده است. در چند سال اخیر بویژه با تغییر توازن قوا در عرصه سیاسی جامعه و با به میدان آمدن نسل جوان که از سرکوبهای اولیه جمهوری اسلامی خاطره دست اولی ندارد، جسور است و با جسارت و علنیت بسیار بیشتری بر خواستههایش پای میفشارد، مساله حقوق زنان، مبارزه علیه آپارتاید جنسی و بیحقوقی زنان ابعاد وسیعتری یافته است. منتهی این جنبش پراکنده است، فاقد یک رهبری و سازمان واحد و متمرکز است، فاقد یک برنامه و پلاتفرم مشخص است. در شرایط کنونی بسیار حیاتی است که این جنبش زیر یک چتر واحد جمع شود، یک برنامه و پلاتفرم روشن مجهز شود و زیر یک رهبری قرار گیرد. این نظر من یک نیاز عاجل جنبش زنان برای آزادی است. سازمان آزادی زن با این هدف تشکیل شده است و تلاش میکند که این خلاء را پر کند.

هفتگی: در شروع فعالیت سازمان

آزادی زن چه اقداماتی قرار است در دستور قرار بگیرد؟
آذر ماجدی: ابتدا اعلام موجودیت سازمان آزادی زن طی مراسمی بطور رسمی در ۱۴ دسامبر در لندن انجام خواهد گرفت. یکی از اولیه ترین فعالیت های سازمان آزادی زن رساندن صدای خود به زنان و تمام آزادیخواهان در ایران است. باین منظور اقدامات چندی در دستور ماست. انتشار نشریه هفتگی که سریعا به مسائل در جامعه ایران عکس العمل نشان میدهد، اوضاع را مورد تحلیل قرار میدهد، وضعیت زنان را منعکس میکند و غیره؛ ایجاد سایتی که کسانی که به اینترنت دسترسی دارند بتوانند با سرعت و به آسانی به ما دسترسی پیدا کنند، با سازمان آزادی زن، اهداف و برنامه های آن آشنا شوند؛ و آغاز برنامه های تلویزیونی و رادیویی از دیگر اقداماتی است که ما در دستور خود داریم و در حال حاضر مشغول تامین منابع مالی باین منظور هستیم. و من همینجا از تمام علاقمندان به این امر و این سازمان میخواهم که در این زمینه ما را یاری رسانند. ضمنا جریان ما دارای یک سنت قوی در فعالیت در خارج کشور بنفع جنبش برای تطبیق زنان در ایران است، استفاده از این سنت در پیشبرد اهداف سازمان آزادی زن

نیز یک جنبه از فعالیت های ما خواهد بود.

هفتگی: بلحاظ سازمانی شکل فعالیت

سازمان آزادی زن در ایران چگونه است، و چه نوع فعالیتی میتواند در راستای اهداف آن انجام بگیرد؟
آذر ماجدی: ما از تمام علاقمندان به این جنبش و آتیهایی که علاقمند همکاری با سازمان آزادی زن هستند میخواهیم که محافل و جمع هایی حول اهداف و پلاتفرم سازمان آزادی زن تشکیل دهند و با ما تماس بگیرند. چنین محافلی در حال حاضر به وسعت در ایران وجود دارند، ولی فکر میکنم که تشکیل محافل با این هدف روشن و متصل شدن به یک مرکز، فعالیت ها و مبارزات این جمع ها و محافل را هدفمندتر و در نتیجه شمر شمرتر میکند. دعوت علاقمندان به خواندن نشریه سازمان آزادی زن، و دنبال کردن فعالیت های سازمان آزادی زن از فعالیت های اولیه است. در آن زمان که توازن قوا اجازه دهد، این محافل و جمع ها علنا به اسم سازمان آزادی زن فعالیت خواهند کرد. در چنین روزی که چندان دور هم نیست، خواهیم دید که این جنبش از چه قدرت و گستردگی عظیمی برخوردار است.

هفتگی: مطالبات سازمان آزادی

زن چیست؟
آذر ماجدی: هدف نهایی سازمان آزادی زن آزادی بی قید و شرط زنان و برابری کامل زن و مرد است. برای دستیابی به این هدف ما چند مطالبه کلیدی و فوری در مقابل خود قرار داده ایم که بنظر من بخش اعظم جنبش برابری طلبی در ایران در این مطالبات با ما سهیم هستند: ۱- برابری کامل حقوق زن و مرد؛ لغو قوانین تبعیض آمیز، بویژه قوانین مربوط به خانواده، ازدواج، طلاق، حضانت و سرپرستی اطفال؛ ۲- لغو حجاب اجباری، و آزادی پوشش؛ ۳- لغو کامل جداسازیها؛ ۴- برخورداری از امکانات مساوی در آموزش، اشتغال، ورزش و امور فرهنگی؛ ۵- جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش. یکی دیگر از مسائل کلیدی که ما در مرکز فعالیت خود قرار میدهم، مبارزه بی امان با تمامی تلقیات و ارزشهای مردسالارانه و زن ستیزانه است.

هفتگی: دستیابی به اهدافی که در

بیانیه اعلام موجودیت اشاره شده در قدم اول مستلزم سرنگونی جمهوری اسلامی است، از این زاویه نقش سازمان آزادی زن را چگونه ارزیابی میکنید؟

آذر ماجدی: جمهوری اسلامی یک نظام زن ستیز و مردسالار است و وضعیت مشقت بار کنونی زنان

محصول حاکمیت این نظام است. مبارزه علیه بیحقوقی زنان و برای این مطالبات حتما با هجوم و حملات جمهوری اسلامی رویرو خواهد شد. و این مساله ای است که ما به آن متوجه ایم و بهمین خاطر نیز اعلام علنی سازمان آزادی زن در داخل کشور را به آینده موکول کرده ایم. منتهی مساله اینجاست که نمیتوان مبارزه برای هر نوع اصلاحی در وضعیت مردم، و مبارزه برای بهبود شرایط و کسب حقوق را به بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی موکول کرد. نمیشود اکنون اعلام کنیم که باید ابتدا جمهوری اسلامی سرنگون شود و بعد برای مطالبات معین مان مبارزه کنیم. باید مبارزه برای خواستها و بهبود شرایط و کسب حقوق را سازمان داد و به پیش برد. تغییر شرایط عملا حاصل همین مبارزات خواهد بود. این دینامیسم مبارزه برای کسب حقوق است. مبارزه برای کسب حقوق زنان یکی از عرصه های مهم مبارزات مردم برای واقعییت در جامعه ایران است. و واقعییت جامعه نیز باین شکل است که زنان علیه موقعیت اسارت بارشان عملا دست به مبارزه خواهند زد.

ما واقفیم که در مبارزه برای اهداف و مطالبات سازمان آزادی زن با حملات جمهوری اسلامی رویرو خواهیم شد. لذا در هر مقطع با در نظر گرفتن شرایط عمومی سیاسی و با در نظر گرفتن توازن قوا باید شیوه مبارزه مان برای تضمین این مطالبات و سازمان دادن زنان را تعیین کنیم.

هفتگی: شرایط عضویت در سازمان

آزادی زن چیست؟
آذر ماجدی: هر فردی که با مطالبات سازمان آزادی زن موافق است و علاقمند است که با سازمان آزادی زن همکاری کند عضو سازمان آزادی زن محسوب میشود. و ما این دوستان را دعوت میکنیم که با ما تماس بگیرند.

هفتگی: رابطه سازمان آزادی زن با

حزب کمونیست کارگری چیست؟
آذر ماجدی: من از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری هستم، دوستان دیگری که فی الحال با هم همکاری میکنیم از کادرهای بالای حزب کمونیست کارگری هستند. و مطمئنا حزب کمونیست کارگری از

هیچ کمکی به سازمان آزادی زن دریغ نخواهد کرد، چرا که آزادی زنان و برابری زن و مرد یکی از اهداف مهم و اولیه حزب کمونیست کارگری است ولی سازمان آزادی زن یک سازمان مستقل است.

آدرس ایمیل:

azadizan@yahoo.com
azarmajedi@yahoo.com

کنگره دوم حزب کمونیست کارگری عراق علنی است

مصاحبه با ریویوار احمد دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق

هفتگی: در اطلاعیه دفتر سیاسی درباره کنگره دوم حزب کمونیست کارگری عراق اشاره شده که شرکت در کنگره دوم حزب برای عموم آزاد است، لطفاً درباره مبنای این تصمیم توضیحاتی بدهید.

ریویوار احمد: این تصمیم در پلنوم یازدهم کمیته مرکزی که در اواخر ماه مه سال جاری برگزار گردید، گرفته شد. پلنوم چگونگی برگزاری و مسائل فنی و اجرایی را بعداً دفتر سیاسی گذاشت. دفتر سیاسی در نشست خود در ماه اکتبر تصمیم گرفت که کنگره را در کردستان و بصورت علنی برگزار کند و شرکت همگان در آن آزاد باشد.

از آنجا که در درجه اول بخاطر سرکوب های سیاسی، که خصوصاً کمونیست ها را ناچار به مخفی کاری کرده است و دوماً بخاطر وجود شیوه فعالیت و روش های چپ سنتی که به مخفی کاری و به این نوع فعالیت تسلیم شده و در حاشیه جامعه جا خوش کرده، اکنون این اقدام ما یعنی برگزاری علنی کنگره ممکن است غریب نظر برسد. نظر من تجمع وسیع کارهای یک حزب سیاسی که با مسائل و معضلات سیاسی و اجتماعی جامعه گره خورده باشد، کنگره‌ای که در مورد مسائل مربوط به زندگی و سرنوشت مردم و جامعه بحث میکند و تصمیم میگیرد، نباید در پشت درهای بسته و دور از چشم مردم و نیروهای سیاسی دیگر برگزار شود.

این کنگره نشست گروه و فرقه‌ای روشنفکر حاشیه‌ای نیست، که بنشینند راجع به مسائل ذهنی خود و برای خودش بحث کند، بلکه کنگره حزبی سیاسی جلی است که به مسائل مردم میپردازد و میخواهد به آن جواب دهد، از اینرو لازم است که مردم بتوانند به آن دسترسی داشته باشند و از مباحثات و تصمیماتش مطلع شوند، باید بتوانند در آن شرکت کنند و دخالت نمایند. این در عین حال برای ما قدمی است در جهت پیشروی حزب و جنبش کمونیستی برای ظاهر شدن در صحنه سیاسی جامعه. قدم دیگری است برای دور شدن قطعی از سنت و قیدوبندهایی که کمونیسم را از دخیل بودن در زندگی روزانه و سرنوشت جامعه و طبقه کارگر دور نگه میدارند. این تلاش همیشگی بورژوازی بوده که با تمام توان با سرکوب و دیکتاتوری

و حقان شرایطی را بر جامعه و فعالین کمونیست تحمیل کند تا مردم را از دسترسی به آلتزاتیو کمونیستی و انتخاب آینده‌ای بهتر و آزادتر محروم نماید. این مسئله مهم یعنی در دسترس بودن، برای حزب که مسئله قدرت سیاسی و تغییر و دگرگونی بنیادی در زندگی مردم فلسفه وجودی اش را تشکیل می دهد، ضرورتی سیاسی است. از میان بردن این قیدوبندها و فراهم کردن شرایط فعالیت علنی و باز سیاسی و در دسترس قرار دادن حزب به مردم برای جریانی که بخواهد به حزبی توده‌ای و وسیع و پر قدرت تبدیل شود، بسیار حیاتی است. ما واقعیتی را که مخفی کاری را بر فعالیت کمونیست ها تحمیل کرده است می شناسیم. اما هرگز نمی خواهیم تسلیم آن شویم. و با آن سنت چپی که فکر می کند مخفی کاری جزو اصول کار کمونیستی است عمیقاً فاصله داریم. کمونیسم کارگری مدام تلاش کرده است، این روش و شیوه های چپ سنتی را کنار بگذارد و این کنگره نیز قدمی بزرگ در این جهت است. قدمی بزرگ در جهت شکل دادن به یک حزب سیاسی قدرتمند، بخصوص حزب ما دوره‌ای تازه از فعالیت جلی را پیش روی خود دارد. دوره‌ای که بعد از ممانعت ها و تنگناهایی که برایش بوجود آمد، ولی سرانجام آبدیده تر و آماده تر وارد صحنه می شود که از همین آغاز باعث امیدواری زیادی شده است.

هفتگی: علاوه بر اعلام علنی بودن کنگره و آزاد بودن همگان برای شرکت در آن از تعداد زیادی احزاب و سازمان ها و شخصیت ها برای شرکت در کنگره به عنوان ناظر دعوت شده است. معیار شما برای دعوت از سازمانها و احزاب و شخصیتها چیست؟

ریویوار احمد: معیار این است که غیر از کسانی که با رژیم بعث همکاری کرده و همینطور دارودسته های اسلامی که نشان داده اند با انسانیت در تضادند و همچنین عوامل مستقیم دولت آمریکا در منطقه، که بیش از ۱۰ سال است طرح و نقشه کشتار مردم عراق و ویران کردن این جامعه را اجرا کرده و اکنون نیز مشغول بزرگترین توطئه علیه مردم هستند، بقیه احزاب سیاسی جامعه کردستان، تمام تشکل های توده ای و

کنگره برای تصمیم گیری به بحث گذاشته شوند، دستور جلسات کنگره کدامند؟ همچنین مطرح شده هرکسی می تواند قرار و قطعنامه را برای تصویب به کنگره پیشنهاد کند، در این مورد بیشتر توضیح دهید.

ریویوار احمد: بدون شک کنگره در ابتدای کار خود، در مورد مباحثات و دستور جلسات و روال پیشبرد مباحث تصمیم می گیرد. ما از طرف دفتر سیاسی دستور جلسه کنگره را آماده کرده ایم. که چند سند و بحث را در بر می گیرد. اینها و همچنین مباحثات و دستور جلسه های پیشنهادی دیگر در اختیار کنگره قرار خواهد گرفت، که در مورد آن تصمیم بگیرد. ملتی قبل از شروع کنگره اسناد و دستور جلسات پیشنهادی را در اختیار نمایندگان کنگره قرار میدهیم و ارائه دهندگان مباحثات را معرفی می کنیم. این کمک می کند که نمایندگان با آمادگی بیشتری در مورد مباحثات و دستور جلسات کنگره دخالت کنند. بدون شک اصولاً کنگره ابتدا هیئت رئیسه را تعیین می کند، اعتبار نامه نمایندگان را تایید می نماید و در مورد شیوه پیشبرد دستور جلسه تصمیم میگیرد.

غیر از سخنرانی افتتاحیه کنگره و گزارش کمیته مرکزی، و دستور جلسات پیشنهادی که به آنها اشاره کردم، تا بحال چند قرار و قطعنامه راجع به پیش از ۳۰ سال حاکمیت رژیم بعث و راه پایان دادن به آن و ایجاد جمهوری سوسیالیستی، سیاست ۱۰ ساله آمریکا در عراق، اوضاع سیاسی ده سال گذشته در کردستان، ضرورت مبارزه با اسلام سیاسی، باز شدن افق های سیاسی تازه برای کمونیسم کارگری، و اوضاع دنیای عرب پس از ۱۱ سپتامبر و وظایف ما، آماده شده است که همراه با مباحثات پیشنهادی دیگر در کنگره مورد بحث قرار خواهند گرفت. و در انتهای کنگره به رسم معمول انتخابات کمیته مرکزی حزب انجام می شود.

اینکه هرکسی می تواند به کنگره دستور جلسه و قرار و قطعنامه پیشنهاد کند، بدلیل محدودیت زمانی روز ۲۵ نوامبر را آخرین مهلت برای پیشنهادات و قرار و قطعنامه ها تعیین کرده ایم، زیرا ما باید وقت داشته باشیم تا قبل از کنگره آنها را در اختیار نمایندگان کنگره قرار دهیم. به همین خاطر بعد از تاریخ تعیین شده دیگر امکان قبول قرار و قطعنامه و اسناد پیشنهادی به کنگره، عملاً موجود نیست.

هفتگی: چه انتظاری از این کنگره

نهادها و شخصیت های سیاسی و روشنفکران، مستقل از میزان دوری و نزدیکی سیاسی آنان به ما، را دعوت کرده ایم که به کنگره ما بیایند و مهمان کنگره ما باشند. ما از حضورشان در کنگره استقبال می کنیم.

هفتگی: شما خواسته اید هرکسی که قصد شرکت در کنگره را دارد ثبت نام کند. آیا برای ثبت نام شروطی وجود دارد؟ تا چه تاریخی میشود ثبت نام کرد؟

ریویوار احمد: ثبت نام برای شرکت در کنگره به معنی هیچ قید و شرطی برای شرکت در کنگره نیست، بلکه صرفاً مربوط به تامین امکانات عملی و فنی کنگره و ملزومات حضورشان در کنگره می باشد. آمادگی برای کنگره که شرکت کنندگان زیادی نیز خواهد داشت و چند روزی هم طول خواهد کشید، به ملزومات فراوانی احتیاج دارد. ما باید قبلاً تعداد شرکت کنندگان در کنگره را بدانیم تا بر مبنای آن بتوانیم برنامه ریزی کنیم. ما غیر از این هیچ شرطی برای شرکت در کنگره نداریم. هرکسی بخواهد شرکت کند، در مورد عقیده و افکار و رابطه سازمانی و غیره از کسی سوال نخواهیم کرد. تاکنون تعداد زیادی نام نویسی کرده اند که بیشتر از کردستان هستند، البته تعداد زیادی هم در خارج کشور اظهار علاقه کرده اند که در کنگره شرکت کنند اما از آنجا که کنگره در کردستان عراق برگزار می شود، متأسفانه همگی این دوستان امکان شرکت در کنگره را ندارند. همچنین دوستانی که محل زندگی شان تحت تسلط حکومت بعث می باشد، بخاطر اینکه خطرات جانی آنها را تهدید می کند، متأسفانه در کنگره جایشان خالی می باشد. ما ۳۰ نوامبر را آخرین مهلت ثبت نام تعیین کرده ایم، که وقت کافی برای فراهم کردن امکانات فنی و اجرایی با توجه به تعداد شرکت کنندگان داشته باشیم. امیدواریم تا تاریخ تعیین شده علاقمندان بتوانند ثبت نام کنند. اگر افرادی هم بعد از پایان یافتن این تاریخ خواستار شرکت در کنگره شدند، کمیته برگزار کننده کنگره سعی خواهد کرد تاریخ ثبت نام را تمدید نماید.

هفتگی: چه مسائلی قرار است در

دارید؟ بنظر شما کنگره چه تاثیری بر فعالیت فعالین کمونیسم کارگری خواهد داشت و چه تغییراتی را بوجود خواهد آورد؟

ریویوار احمد: فکر می کنم قبل از هر چیز کنگره می تواند قدم مهمی در جهت تبدیل حزب به حزبی سیاسی توده ای تاثیرگذار در صحنه سیاسی جامعه بردارد. می تواند گامی مهم برای از بین بردن بقایای شیوه های فعالیت چپ سنتی، و تقویت کردن رابطه حزب با جامعه، و توده های کارگر و زحمتکش و یکی کردن مسائل و مشغله های حزب با آنها باشد. مسئله دیگر این است که این کنگره در شرایطی گرفته می شود، که جامعه و آینده آن در وضعیت بسیار حساسی قرار گرفته است. منظوم سیاست ها و تهدیدات آمریکا در حمله نظامی به عراق، که پیامدهای سیاسی و اجتماعی بزرگی را به همراه خواهد داشت. این وظایف مهم و حساسی را برای حزب ما در بر خواهد داشت. این کنگره باید به این مسئله معطوف شود و سیاست و وظایف حزب را در مورد این مهم تعیین نماید و از همه مهمتر آمادگی حزب در جوابگویی به تحولات و پیامدهایی که حمله آمریکا به دنبال خواهد داشت. می توانم بگویم این تحولات، شرایط تازه ای را برای کمونیسم کارگری بوجود خواهد آورد، زیرا سیاست آمریکا شدت بر علیه مردم و کمونیسم می باشد. سیاست های آمریکا باعث ویرانی و تقویت ارتجاع در منطقه میشود و در عین حال بیشتر از هر وقتی به میدان آمدن توده های مردم و حزب کمونیست کارگری را می طلبد. این حزب تنها روشنائی و نقطه امید این اوضاع تاریک است. اگر قرار است نیرویی این ظلمت و تاریکی را از سر این جامعه بزدايد، فقط این حزب است. به همین دلیل آمادگی بسیار بیشتری به نسبت همیشه از حزب می خواهد. کنگره باید با دقت متوجه وظایف تاریخی خود بشود و خود را با آن تطبیق دهد و با آمادگی به مصاف اتفاقات پیشروی حزب برود. این شرط اساسی برای جوابگویی به مصایب تلخ و ناگواری است که آمریکا و نیروهای تحت تسلط وی برای مردم منطقه در تدارک آن هستند. تامین آینده ای بهتر و کم مشقت تر برای مردم، به ایفای نقش و دخالت این حزب در این اوضاع و احوال گره خورده است. و سرانجام این معیاری برای موفقیت این کنگره می باشد که تا چه اندازه برای آمادگی حزب در این شرایط نقش بازی می کند.

قابل توجه عموم!

فیلم سخنرانی منصور حکمت در انجمن مارکس لندن، "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود؟" در کلیه مراسم های سالگرد حزب کمونیست کارگری ایران پخش میشود.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!